

تعالیم اخلاقی قرآن و عهدین در عرصه خانواده

زاهده جعفری*

اخلاق یکی از بخش‌های اصلی ادیان الهی است، دین و کتب مقدس به ما می‌آموزند که در زندگی صفات پسندیده اختیارکنیم و خود را با کردار نیکو بیاراییم. رابطه دین با اخلاق یک رابطه مستقیم است و انکار اخلاق در هیچ یک ادیان امکان پذیر نیست، نهاد خانواده به عنوان یکی از اصلی‌ترین ارکان جامعه انسانی می‌باشد به این دلیل نقشی که سعادت و شقاوت جامعه و کمال انسانی دارد همواره مورد توجه ادیان الهی و غیر الهی قرار گرفته است بویژه ادیان ابراهیمی اسلام و یهودیت، مسیحیت برای نظام خانواده مقام رفیعی قائل شده با وجود اختلافاتی در شرایط تشکیل خانواده با یک دیگر دارند دستورهایی مشترک در زمینه ازدواج و اخلاق خانوادگی ارائه نموده‌اند. این نوشتار بر آن است تا از رهگذر تتبع در اخلاق خانوادگی در قرآن و عهدین معلوم سازد که از منظر ادیان ابراهیمی تشکیل خانواده چه جایگاهی دارد؟ در این پژوهش که با روش توصیفی و تحلیلی به رصد کردن مطالب در منابع پرداخته شده، می‌توان دریافت از منظر قرآن و عهدین در زمینه خانواده با توجه به نقشی که در به کمال رساندن انسان‌ها و ایجاد فضای عاطفی میان اعضای خانواده دارد، مساله ازدواج و همچنین معیار گزینش همسر چه اهمیتی دارند.

کلمات کلیدی: قرآن، عهدین، اخلاق، خانواده، ازدواج

مقدمه

اخلاق از جمله مقوله‌های مشترک میان ادیان از جمله اسلام و مسیحیت و یهودیت است و با وجودی که در اصل اخلاق اشتراک‌های زیادی بین این سه دین

* دانش پژوه کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآنی، جامعه المصطفی العالمیه نمایندگی مشهد

وجود دارد اما اختلاف‌هایی نیز از جهت مصادیق یا برخی اصول اخلاقی مشهود است. و از آنجایی که خانواده خشت بنای جامعه است و هر امری که موجب رشد و بالندگی خانواده گردد موجب پیشرفت جامعه نیز می‌گردد لازم است به واکاوی اخلاق در خانواده پرداخته شود.

در جامعه کنونی که مباحث اخلاقی به حاشیه کشیده شده و در محیط اجتماع و حتی خانواده کمرنگ شده است؛ بررسی‌هایی در زمینه اخلاق و خانواده در راستای همگرایی بین ادیان با شعار اخلاق گرایی و معنویت گرایی درست با رویکرد مطالعات تطبیقی مورد ضرورت است.

در بحث خانواده روابط مختلف بین اعضای خانواده و حقوق هر یک از آن‌ها از جهت اخلاقی و... مورد بحث است که در نوشتار حاضر به خصوص «ازدواج» در ادیان مذکور پرداخته می‌شود تا بحث در عین جزئی بودن، کاربردی نیز باشد.

اسلام، مسیحیت و یهودیت سه دین برجسته‌ی الهی و آسمانی هستند و هر سه داعیه‌دار اصلاح و تربیت بشر و هدایت انسان به سمت کمال و تعالی می‌باشند و «ازدواج» به عنوان یکی از برجسته‌ترین و موثرترین عامل در راه‌یابی انسان به سوی کمال و سعادت است.

از جمله شیوه‌های قرآن در اعطای بصیرت و ایجاد بینش، مقایسه‌ی جوانب موضوعات است. آن گاه که قرآن آگاهان را در برابر جاهلان قرار می‌دهد، همین شیوه از شناخت آفرینی را به کار می‌گیرد: «هل یستوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون»^۱ آیا کسانی که میدانند با کسانی که نمی‌دانند برابرند؟

بنابراین با تاسی از همین روش برای آشنائی با اهداف، جایگاه و اهمیت ازدواج، بهترین محمل مقایسه و مطالعه‌ی تطبیقی، بین این سه آئین آسمانی است. برخی از سؤالات مطرح شده در مقام تطبیق، به قرار ذیل است:

۱- تشکیل خانواده تا چه اندازه در بین ادیان اسلام و مسیحیت و یهودیت

اهمیت دارد؟

- ۲- آیا هر سه دین مذکور به یک اندازه به ازدواج اهمیت می‌دهند؟
- ۳- هر سه دین اسلام و مسیحیت و یهودیت چه تعریف و جایگاهی را برای ازدواج مطرح نموده اند؟
- ۴- اهداف ازدواج در ادیان مذکور چه می‌باشد؟
- ۵- تا چه اندازه ادیان مذکور در راه رسیدن به وظایف و کارکردهای ازدواج موفق بوده‌اند؟

در پژوهش حاضر که به روش توصیفی و تحلیلی و نیز با بهره‌گیری از روش تطبیقی، به مقایسه‌ی امری بزرگ و برجسته در زندگی انسان یعنی «ازدواج» در سه دین الهی و آسمانی اسلام مسیحیت و یهودیت می‌پردازیم.

مفهوم شناسی

أ. خانواده: در لغت به معنای خاندان، دودمان، اهل خانه، زن و فرزند، و فامیل به کار رفته است.^۱ معادل این واژه در زبان عربی أسرة است که ابن منظور در این مورد بیان می‌دارد که خانواده به معنای مکان و محل محفوظ و امن است، همچون حصار و سپری که افراد خود را به واسطه آن از خطرات حفظ می‌نمایند.^۲ به عبارتی وجه تسمیه خانواده به أسرة همین است که اعضای آن در این حصار احساس آرامش و امنیت می‌کنند.

همچنین واژه «اهل» و «أل» که در قرآن نیز بکاربرده شده است؛ به معنای خانواده می‌باشد^۳ که در معنای وسیع آن شامل هر چیزی که در تبعیت مرد است می‌باشد و متناسب با مضاف الیه خود معنای مختلفی می‌گیرد.^۴ آیات زیادی از قرآن به این مضمون پرداخته است. از جمله؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا».^۵

^۱ - دهخدا، ج ۶، ۱۳۰۷ش: ۹۴۳۸

^۲ - ابن منظور، ج ۴، ۱۴۱۴ق: ۱۹

^۳ - ابن منظور، ج ۴، ۱۴۱۴ق: ۲۸؛ طریحی، ج ۵، ۱۳۷۸ش: ۳۱۴

^۴ - مصطفوی، ج ۱، ۱۳۶۰ش: ۱۷۱

^۵ - تحریم/ ۶

لازم به ذکر است در این نوشتار منظور از خانواده، خانواده هسته‌ای که متشکل از پدر، مادر و فرزندان است، می‌باشد.

ب. اخلاق: کلمه اخلاق جمع خُلُق که عبارت است از ملکه‌ای راسخ در نفس (چه خوب و چه بد) که در مقابل عمل قرار دارد^۱ چنانچه خُلُق شکل ظاهری و صورت اشیاء است. غرایز و ملکیات و صفات روحی و باطنی که در انسان است، اخلاق نامیده می‌شود و به اعمال و رفتاری که از این خلقیات ناشی می‌شود نیز اخلاق می‌گویند.^۲

ت. ازدواج: کلمه ازدواج یا نکاح در لغت به معنای «وطی» و شرعا به مفهوم عقد است،^۳ که به زن گرفتن و شوهر کردن تعبیر می‌شود. بنابراین نکاح رابطه‌ای حقوقی و عاطفی است، که بوسیله عقد بین زن و مرد حاصل می‌گردد که حقوقی را نیز در پی دارد و شامل هر دو نوع عقد یعنی دائم و موقت می‌شود.

اهمیت تشکیل خانواده در ادیان

نهاد خانواده در فرهنگ دینی از ابزار حفظ تقوی و کرامت انسانی به شمار می‌رود. خانواده توسط دین تعریف و تقدیس شده و در ادیان ابراهیمی در این امر اتفاق نظر دارند. سه دین اسلام و یهودیت و مسیحیت، استحکام خانواده را وسیله‌ای برای رسیدن به سعادت و رستگاری دانسته و به صورت‌های مختلف در تقویت مشروعیت عرفی و قانونی آن با استناد به مشروعیت الهی کوشیده‌اند.

اهمیت و جایگاه ازدواج در اسلام

ازدواج از منظر اسلام بسیار پسندیده و مطلوب است و از منظر فقه اسلامی، عملی مستحب و چه بسا مستحب موکد و در برخی موارد واجب شمرده می‌شود.^۴ و مانند هر عمل مستحب بر انجام آن ثواب و پاداش دنیوی و اخروی مترتب می‌شود. دین مبین اسلام برای خانواده از ابتدای تشکیل آن برنامه ویژه ای قرار داده است و ازدواج؛ مرحله

^۱ - مجلسی، ج ۸، ۱۴۰۴ق: ۱۶۶

^۲ - مهدوی کنی، ۱۳۷۱: ۱۳

^۳ - حلی، ج ۲، ۱۳۳۸: ۵۶۲

^۴ - مشکینی، ۱۳۶۶: ص ۱۰

نخست تشکیل خانواده است که نوع پایه گذاری و میزان اندیشه درباره ی آن در میزان پیشرفت یا انحطاط جامعه تاثیرگذار است.

ازدواج از یک نظر مساله ای شخصی است ولی از دیدگاه دیگر دارای جنبه و اهمیت اجتماعی است زیرا در سایه ی تشکیل خانواده زوجین تحت ضوابط و نظام حقوقی خاصی قرار می گیرند که جامعه نیز از تاثیر و تاجر آن دور و بر کنار نیست.^۱ خداوند متعال در سوره مبارکه نور با فرمان و دستور به ازدواج و ضمانت وجود مقدسش برای تامین مخارج زندگی چنین می فرماید:

« وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْطِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ »^۲

مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می سازد خداوند گشایش دهنده و آگاه است!

انسان ها در سایه تشکیل خانواده و فواید حاصل از آن می توانند مسیر دستیابی به کمال خلقت را به آسانی و با کمک یکدیگر طی نمایند، چون زن و مرد با این پیوند مقدس مکمل همدیگرند و همین امر موجب کمال رسیدن هر یک از آنان خواهد شد. هم چنان که امیرمومنان علی(ع) درباره تشکیل خانواده و به کمال رسیدن زن و مرد فرمودند: هیچ یک از اصحاب رسول خدا(ص) ازدواج نمی کرد مگر اینکه رسول خدا(ص) می فرمود: دینش کامل شد.^۳

بنابراین لازم است ضرورت و اهمیت تشکیل خانواده را با توجه به مستندات قرآنی آن به عنوان اصلی که خداوند بر تشکیل و حفظ آن تأکید زیادی نموده در چند مورد به صورت مختصر بیان شود.

^۱- رک: قائمی، ۱۳۵۵ش: ۱۸

^۲- نور/ ۲۲

^۳- نوری، ج ۱۴، ۱۴۰۸ق: ۱۵۴

۱- طبیعت اجتماعی: با توجه به اینکه انسان اصالتاً موجودی است که طبیعت اجتماعی دارد. «یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا...»^۱ نخستین و مهم‌ترین بستر فعلیت یافتن این ویژگی در انسان، کانون مقدس خانواده است.

بی‌گمان خانواده با پیمان ازدواج و پیوند مقدس زن و مرد پایه‌گذاری می‌شود یعنی با ازدواج ستون اصلی و حیاتی‌ترین نهاد اجتماعی شکل می‌گیرد؛ نهادی که خاستگاه آن در ذات انسان است.

از این رو زن و مرد در همان آغاز ازدواج و تشکیل زندگی مشترک در آن محیط کوچک، آرام می‌گیرند. از جمله اهداف مهم تشکیل خانواده، تحصیل آرامش روانی و سکون قلبی زن و شوهر در کنار یکدیگر است، (رک: سالاری فر، ۱۳۸۵: ۲۶-۲۸) همانگونه که خداوند منان در آیات متعددی به این واقعیت اشاره می‌نماید و خانواده را جایگاه آسایش و آرامش معرفی می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً»^۲ «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا»^۳

۲- سنت آفرینش: قرآن کریم زوجیت را قانونی فراگیر در میان همه جانداران بیان می‌کند، حتی گیاهان از این قانون استثناء نیستند. «أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ»^۴

دستگاه بزرگ آفرینش برای رسیدن به هدف و کمال مطلوب خود و حفظ نوع بشر و موجودات، به همکاری و تعاون دو جنس مذکر و مؤنث نیازمند است؛ از این رو خداوند موجودات را به صورت نر و ماده آفریده است.

^۱ - حجرات/۱۳

^۲ - روم/۲۱

^۳ - اعراف/۱۸۹

^۴ - شعراء/۷

۳- پاسخ به ندای فطرت: بی گمان غریزه جنسی غریزه ای نیرومند و ریشه دار است که بر اساس نظام حکیمانه الهی در نهاد بشر قرار گرفته است. تنها راهی که می‌تواند به همه خواسته های جنسی زن و مرد پاسخ مناسب دهد و روح پر التهاب آنان را کاملا معتدل و آرام سازد ازدواج است.^۱

از این رو قرآن کریم افزون بر تشویق مردم به تشکیل خانواده، کسانی که این مسأله را ترک می‌کنند توبیخ کرده می‌فرماید: «وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ»^۲ از این آیه و مانند آن برمی‌آید که زن و مرد برای یکدیگر خلق شده اند از این رو گرایش باطنی در عمق فطرتشان نسبت به یکدیگر دارند. بنابراین ازدواج و تشکیل خانواده ریشه در فطرت انسان دارد.

۴- تکامل: بی گمان انسان موجودی تکامل طلب است و از سویی نحوه تکامل او به گونه‌ای است که دو جنس زن و مرد مکمل و مایه شکوفایی و نشاط و پرورش معنوی یکدیگرند تا آنجا که هر یک بدون دیگری ناقص است؛ یعنی جنس مذکر و مؤنث از نظر روحی و جسمی به یکدیگر نیازمند هستند. خداوند در این باره تعبیر زیبایی را بیان می‌فرماید: «هُنَّ لِيَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِيَاسٌ لَهُنَّ»^۳

یعنی همانگونه که لباس انسان را از سرما و گرما حفظ کرده، زشتی‌ها و عیوب او را می‌پوشاند و زینتی برای تن آدمی است، دو همسر نیز در زندگی زناشویی باید مایه‌ی زینت و مکمل یکدیگر و باشند. این تعبیر زیبای قرآن نهایت ارتباط معنوی مرد و زن و نزدیکی آنها به یکدیگر و همچنین برابری آنها را در این موارد به خوبی آشکار می‌سازد.^۴

۵- نیازی بدیهی: تشکیل خانواده از جمله اموری است که در همه جوامع از جمله بدیهیات است و سیره عملی همه مردم با هر دین و آیینی است؛ زیرا اساس ازدواج، میل و نیاز طبیعی، روحی و زیستی مرد و زن نسبت به یکدیگر است و در بیان ضرورت آن

^۱ - همدانی، ج ۴، ۱۴۰۴: ۲۹۴

^۲ - شعراء/ ۱۶۶

^۳ - بقره/ ۱۸۷

^۴ - مکارم، ج ۱، ۱۳۷۴: ۶۵

به آیه و حدیثی نیاز نیست. امام رضا(ع) فرمود: «اگر درباره ازدواج آیه ای محکم و سنتی پیروی شده هم نبود موضوع نیکی با خویشاوندان و انس با بیگانه که خداوند در این امر قرار داده است انگیزه ای بود که خردمند صاحب‌دل به ازدواج رغبت کند و عاقل درست اندیش برای آن بشتابد.»^۱

و اگر با این نیاز طبیعی تکوینی مقابله شود، نتیجه ای جز فساد و تباهی خود و جامعه ندارد. بنابراین خداوند متعال برای بقا و کثرت نسل بشر و دستیابی بشریت به فواید ارزشمند تشکیل خانواده و بهره مندی از آن همگان را به این امر مقدس ترغیب و تشویق نموده است، تا در کنار خوشبختی دنیا، سعادت‌مندی در آخرت را نیز برای خویش به ارمغان آورند. «فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ»^۲

اهمیت و جایگاه ازدواج در مسیحیت

قبل از بیان اهمیت و جایگاه ازدواج در آیین مسیحیت، توجه به سه نکته ضرورت دارد:

۱. در این بررسی به نظریه و دیدگاه دینی مسیحیت در خصوص ازدواج به عنوان دین الهی پرداخته می شود و به فرهنگ رایج و آداب و رسوم متداول در بین مسیحیان در ازدواج توجه نمی شود بلکه از منابع اصیل و متون قابل استناد مسیحیت می باشد.

۲. در این موضوع، مقایسه صرفاً بر مبنای آموزه‌های مستند به متون دینی صورت گرفته و تحلیل تحلیل گران و پژوهش گران در مورد متون اسلامی و مسیحیت، مبنای تطبیق قرار نگرفته است بلکه بر اساس معارف برگرفته از منابع دینی انجام می - گیرد .

۳. در دیدگاه مسیحیت، اهمیت و جایگاه ازدواج بر مبحث علل و فلسفه ازدواج مقدم گردید چرا که مسیحیت بعد از ناتوانی در حفظ طهارت و پاکی، ازدواج را تشریح

^۱- طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۲۰۶

^۲- شوری/ ۱۱

می‌نماید و ازدواج در این آئین از یک جایگاه دست دومی برخوردار است، برخلاف نظر اسلام و یهودیت.

تقدیس ازدواج

مسیحیت با معرفی ازدواج به عنوان یکی از آیین‌های مقدس و شعائر دینی، جایگاهی خاص برای ازدواج قائل است. در الاهیات مسیحی شعائر دینی آدابی هستند که به واسطه‌ی آن‌ها فیض خداوند از طریق نامرئی به انسان می‌رسد.^۱ نزد مسیحیان شعار مذهبی عبارت است از یک عمل محسوس که به موجب تأسیس الهی‌اش تنها شکل و صورت نیست؛ بلکه چیزی است که در نجات و تقدس انسان اثر دارد.^۲ ازدواج نیز از این جهت که موجب حفظ نسل بشریت و دفع افسد به فاسد و نجات است مقدس است.^۳ هم‌چنان که پولس در نامه اول خود به قرنطیان در این مورد چنین می‌گوید: «کاش همه می‌توانستند مانند من مجرد باشند اما همه مانند هم نیستیم...».^۴ بنابراین مسیحیان بر مجرد به عنوان آرمانی والا بخصوص از آن جهت که عیسی خود ازدواج نکرده، تاکید دارند. راهب‌ها و راهبه‌ها و کشیشان مذهب کاتولیک نذر می‌کنند که همیشه مجرد بمانند.^۵

ازدواج اتحادی دایم و ناگسستگی

بر پایه تعالیم کتاب مقدس، سنت کلیسا و عرف اجتماعی، مسیحیان معتقدند که ازدواج دائمی است^۱ و نشانه‌ی محبت خداوند به بشریت است و به‌وسیله‌ی این عمل، زن و مرد اتحادی مقدس و غیر قابل انفصال برقرار می‌کنند.^۲ به همین علت، مسیحیان ازدواج را التزام و تعهد در طول زندگی می‌شمارند و با طلاق و تجدید فراش در زمان

^۱ - مولند، ۱۳۸۱: ص ۳۷

^۲ - همان: ص ۶۶

^۳ - عبدالکریم، ۱۳۹۴: ۸۵

^۴ - رک: الخوری، بی‌تا: ۵۷۶-۵۷۷؛ عهد جدید، نامه اول قرنطیان، ۷: ۲۵-۳۶

^۵ - منسکی و همکاران، ترجمه: وقار، ۱۳۷۸: ۳۴۴

^۶ - انجیل مرقس، ۱۰: ۱-۱۲

^۷ - مک‌آفی برون، ۱۹۲۰م: ص ۲۸۶

حیات همسر مخالفند.^۱ در انجیل متی پیرامون طلاق چنین آمده است: هر کس زن خویش را بدون آن که خیانت از وی دیده شود، طلاق دهد و آن زن هم دوباره شوهر کند، آن مرد مقصر است، چون باعث شده، زنش زنا کند و مردی هم که با این زن ازدواج کرده، زناکار است.^۲ حتی اکنون در برخی کشورها که بر طبق همین عقیده‌اند و طلاق در کار نیست، هنگامی که زوجین می‌خواهند از یکدیگر جدا شوند باید به کشور دیگری بروند که طلاق و جدایی را قبول دارند.

تجرد عامل تقرب به خدا

اگرچه ازدواج در مسیحیت پدیده‌ای مقدس محسوب شده و سرّ عظیم نامیده می‌شود، اما در برابر آن عزوبت و تجرد و دوری گزیدن از ازدواج امری پسندیده‌تر است. شخص مجرد، با تمام توان به خدمت خداوند می‌رسد و با کم کردن مشغله‌های دنیوی و زندگی، خود را شبیه عیسی علیه السلام و مریم مقدس (ع) می‌سازد.^۳ بنا بر دیدگاه انجیل، ازدواج تنها وسیله‌ای جهت دفع شهوت و جلوگیری از معصیت است و تاکید بر تجرد بدان خاطر است که عهد جدید ازدواج را مانعی برای رسیدن به ذات خداوند میدانند و پارسایی را در مجردی میدانند.^۴

در بیان اشتراکات بین دو دین اسلام و مسیحیت باید کرد که هر دو استحکام خانواده را وسیله‌ای برای رسیدن به سعادت و رستگاری دانسته و به صورت‌های مختلف در تقویت مشروعیت عرفی و قانونی آن با استناد به مشروعیت الهی کوشیده‌اند.^۵

اهمیت و جایگاه ازدواج در یهودیت

ازدواج در شریعت موسی با کلمه «قیدوشن» بکار می‌رود^۱ و در تعریف ازدواج چنین آمده است: «ازدواج اتحاد مردی است با زن خود از برای خوبی و سعادت طرفین

^۱ - میشل، ۱۳۷۷: ص ۹۵

^۲ - انجیل متی، ۵: ۳۲

^۳ - پطرس، 1882 م: ص ۳۴۵

^۴ - مظاهری، ۱۳۹۰: ۱۹۳

^۵ - شعاعی، ۱۳۸۴: ۹۷

^۶ - کهن، ۱۳۲۸: ۱۸۲

و بقاء افزایش نوع و جز به علت زنا افتراقی در میان این دو پدید نشود»^۱ پس از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است به طوری که ایده‌آل‌ترین اهداف یک مرد یهود تشکیل خانواده است.^۲

ابن میمون عالم بزرگ یهودیت، تشکیل خانواده را چنین بیان می‌کند:
«پیش از آمدن تورات مرد، زن را در بازار می‌دید و اگر هر دو با ازدواج موافق بودند، او را به خانه می‌برد و با او ازدواج می‌کرد. اما آنگاه که تورات نازل شد خداوند فرمان داد که اگر مردی خواهان ازدواج با زنی است می‌بایست او را در پیشگاه دو شاهد به عقد خود درآورد و اگر هم زن خواستار طلاق باشد نیاز به برگه طلاق خواهد داشت.»^۳

در اهمیت ازدواج در این دین برخی چنین پنداشته اند: «انسان مجاز است یک سفر تورات را بفروشد و با پول آن هزینه از دواج خود را فراهم سازد» و هم‌چنین آمده است که: «هر کس که زن ندارد یک آدم کامل به تمام معنا نیست و یا این که هر کس زن ندارد از شادمانی و برکت محروم است»^۴ و یل دورانت چنین بیانی دارد که: «در تعالیم و اعتقادات یهود مانند اسلام تجرد و بچه نیارودن اختیاری، گناه عظیمی بود.»^۵
بنابراین همچنان که ملاحظه شد ازدواج در تعالیم یهود با اسلام اشتراکات زیادی دارد و به عنوان اساسی‌ترین زیر بنای جامعه تلقی می‌شد و تجرد امری ناپسند معرفی شده است.

معیارهای انتخاب همسر در بین ادیان

در این بحث به یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مسائل خانواده یعنی همسر گزینی و معیارهای انتخاب آن که نقش اساسی در روابط زن و مرد دارد، می‌پردازیم.

^۱ - مستر هاکس، ۱۳۷۷ ش: ۶۰۵

^۲ - جلیلی، ۱۳۸۳: ۶۵

^۳ - آنترم، ۱۳۸۵: ۲۲۱

^۴ - کهن، ۱۳۲۸: ۱۸۰

^۵ - دورانت، ج ۱۲، ۱۳۴۳ ش: ۲۶

به عبارت دیگر این معیار و ملاک انتخاب است که ارزشمندی و تداوم زندگی را تضمین می‌کند.

معیارهای انتخاب همسر در قرآن

۱. عفاف و پاکدامنی: به بیان قرآن کریم عقیف به شخصی اطلاق می‌شود که خود نگهدار و با مناعت باشد.^۱ سوره بقره مردانی را که می‌خواهند همسر اختیار کنند، راهنمایی می‌کند تا همسرانی را برگزینند که محصنه و پاکدامن و آزاد باشند. «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَةَ حَتَّىٰ يُوْمِنَ وَّ لَا مَئِمَّةً مُّؤْمِنَةً حَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَّلَوْ أَعْبَبْتُمْ وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُوْمِنُوا»^۲

روح عفت و پروا پیشگی از بدو خلقت آدمی تاکنون برانسان حاکم بوده است. البته ممکن است شکل، اندازه و کیفیت بروز آن در دوره‌های مختلف متفاوت باشد، اما این خصلت همیشه بروز و ظهور داشته است بر اساس روایتی امام صادق(ع) می‌فرماید: «وقتی آدم و حوا از آن درخت خوردند، زیور و پوشش آنها از بدنشان جدا شد و برهنه ماندند.»^۳

فلسفه‌ی این که خداوند از ازدواج با مشرکان نهی فرموده این است که ازدواج رکن اساسی تکثیر نسل و تربیت و پرورش فرزندان و گسترش اجتماع است و محیط تربیتی خانواده در سرنوشت فرزندان بسیار مهم است.^۴

۲. شرافت خانوادگی: اسلام برای شرافت خانوادگی ارزش قائل است. آن که شریک زندگی انسان است باید از خانواده ای نجیب و اصیل باشد. رهبر عالی قدر اسلام فرمود: «تخیروا لطفکم فان البناء تشبه الخوال؛ برای نطفه های خود همسران شایسته انتخاب کنید زیرا فرزندان شبیه دابی ها هستند»^۵

^۱- ابن منظور، ج ۱۴، ۱۴۱۴، ق: ۲۹۰

^۲- بقره/ ۲۲۱

^۳- حویزی، ج ۲، ۱۲

^۴- رک: مکارم، ج ۲، ۱۳۸۱-۱۳۳-۱۳۴

^۵- امام خمینی، ج ۱، ۱۴۰۱، ق: ۲۳۷

آن چه سفارش اکید اسلام است از نظر علم هم اثبات شده است، ژنتیک ثابت کرده است که طفل، حامل صفات خلقی و جسمی و عقلی و والدین است.^۱ هرکس طالب داشتن نسلی صالح و پاک است باید در انتخاب شریک زندگی پیرو ملاک های اسلام باشد.

۳. اخلاق: خوش اخلاقی یکی از کمالات انسانی است که اسلام برای آن در امر ازدواج اهمیت بسیاری قائل شده است و شامل مواردی چون تواضع عاقلانه، انعطاف پذیری، صلح رحم، قناعت، گذشت، حیا، سازگاری، صبر و صداقت و راست گویی میباشد.^۲ بد اخلاقی نه تنها نشانه‌ی شایستگی و اقتدار نیست بلکه نشانه‌ای از حقارت و خباثت و خود خواهی است. در محضر پیامبر ﷺ از عبادت‌های زنی بسیار تعریف کردند که روزها روزه می‌گیرد و شبها را به قیامو شب زنده داری می‌گذراند و راتنها گفتند: البته او بد اخلاق است و اطرافیان و همسایگانش را می‌آزارد، پیامبر بی‌درنگ فرمود: لاخیر فیها هی من اهل النار؛ هیچ خوبی و خیری در او نیست او اهل آتش است.^۳

۴. کفویت: تناسب و همتایی دو فرد با یکدیگر (کفویت) و توجه به این تناسب در تشکیل خانواده امری ضروری است.^۴ زیرا ناهمسانی و اختلاف شان دختر و پسر به ویژه به لحاظ فرهنگی بسیار مشکل ساز خواهد بود. انسان برای موفقیت در زندگی مشترک می‌بایست با هم‌شان خود ازدواج کند و تنها فرد مومن است که می‌تواند هم شان مومن باشد. رسول خدا ﷺ می‌فرماید وقتی شخصی که هم‌شان دختر شما بود به خواستگاری دخترتان آمد به او دختر بدهید.^۵

جفت باید بر مثال همدگر در دوجفت کفش و موزه در نگر^۱

^۱ - بهشتی، ۱۳۹۰: ۲۰

^۲ - مظاهری، ۱۳۹۱: ۹۱

^۳ - آقانه‌رانی، ۱۳۹۱: ۶۴

^۴ - دلشاد، ۱۳۸۸: ۲۱

^۵ - پاینده، ۱۳۷۹: ۳۷، ح: ۱۹۳

^۶ - بلخی، ۱۳۷۴: ۲۳۰۹

۵. دینداری: از معیار های دیگر در اسلام تدین و شایستگی است. دیندار کسی است که آراسته به فضایل و آداب اسلامی و ملتزم به قوانین و دستورات آن باشد و هرگز از آن ها فاصله نگیرد زن و مردی که دارای چنین صفاتی باشند، دیندار هستند و اگر چنین نباشند، منحرف و در بیراهه هستند. کسی که می‌خواهد ازدواج کند در مورد دینداری همسر دقت کافی کند زیرا آدم دیندار، هم شایسته همسری و هم شایسته تربیت اولاد است.

اگر مردی زنی را به خاطر دین‌داری و تقوا به همسری برگزیند، خداوند زیبایی و ثروت را نیز نصیب او خواهد کرد، پس در انتخاب همسر دینداری بر جمال و ثروت تقدم دارد. هم‌چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «و انکح المرأة لدينها؛ زن را تنها به خاطر دینش به همسری برگزین.»^۱

معیارهای انتخاب همسر در مسیحیت

در عهد جدید تاکید خاصی بر مسیحی بودن شوهر شده است. زمانی که شوهر اول از دنیا برود، حتی واجب است که برای زندگی مجدد با یک مرد مسیحی ازدواج کند.^۲ و به عبارت دیگر «زن تا زمانی که شوهرش زنده است، قسمتی از وجود اوست ولی اگر شوهرش فوت کن، میتواند دوباره ازدواج کند اما فقط با یک مسیحی»^۳ در نگاه افراطی چنین است که مجازات زن در گناه اولیه و محکومیت او به اطاعت از مرد است و محکوم به کنیزی اوست و باید ریاست مرد را بپذیرد و این یک مجازات ازلی و ابدی برای زن است.^۴

به طور کلی مجموعه عهد جدید چنین معیار و ملاکی را معرفی میکند که از زنان فرودستی، اطاعت، محبت و عدم رنجش شوهران را می‌خواهد و بیش از این مطلب خاصی را اشاره ندارد.

^۱- فیض کاشانی، ج ۳، ۱۴۱۷ق: ۸۵

^۲- مظاهری، ۱۳۹۰: ۲۰۳

^۳- اول قرن‌تین، ۷: ۴۰

^۴- علیجانی، ۱۳۸۹: ۱۸۹

معیارهای انتخاب همسر در یهودیت

در شریعت موسی با توجه به تشکیل خانواده در شکل گیری و انتخاب همسر سفارشات فراوانی مشاهده میگردد در این باره گفته شده «ازدواجی که از روی بی احتیاطی صورت بگیرد و مردی که استطاعت ندارد مخارج زوجه خود را تامین کند و وسائل آرامش او را فراهم آورد اگر زن بگیرد چنین ازدواجی قبیح شمرده شده است»^۱.

۱. اصالت خانوادگی: در کتاب مقدس بر اهمیت اصالت خانوادگی زوجین تاکید شده است. هنگامی که «شکیم بن حمور» «دینه» دختر حضرت یعقوب را خواستگاری کرد، برادرش از ازدواج خواهرشان با او مخالفت ورزیدند، زیرا «شکیم»، «دینه» را بی-عصمت کرده بود و شایستگی، لیاقت و اصالت خانوادگی را در او نمی‌دیدند.^۲

۲. دینداری: در یهود قرائنی موجود است که بیانگر اهمیت پاکدامنی و رگزینش همسر میباشد. چنان که در سفر پیدایش هست که علاوه بر جنبه‌ی نیکویی ظاهری، عفت نیز ملاک بوده، هنگامی که اسحاق می‌خواست همسر انتخاب کند و رفقه را به زنی بگیرد در توصیف او آورده است آن دختر بسیار نیکو منظر و باکره بود و مردی او را نشناخته بود.^۳ که این مطلب حاکی از توجه به ارزش‌های اخلاقی در انتخاب همسر دارد.

۳. زیبایی و جمال: نیکویی جمال یکی از عوامل اصلی انتخاب همسر در اسفار خمس و صحیحه‌های کتب انبیاء موجود در کتاب مقدس است. توجه به زیبایی و جمال در انتخاب همسر سیره‌ی پیامبران الهی مانند حضرت یعقوب بوده است. و قتی که وی قصد انتخاب همسر را دارد به نزد دایی خویش میرود که چنین توصیف شده که: «لابان را دو دختر بود که نام بزرگتر لیه و اسم کوچکتر راحیل بود چشمان «لیه» ضعیف بود اما راحیل خوبصورت و خوش منظر بود و یعقوب عاشق راحیل بود و گفت: برای دختر کوچکت راحیل هفت سال و خدمت میکنم».^۴

^۱ - کهن، ۱۳۵۰: ۱۸۰

^۲ - سفر پیدایش، ۳۴: ۱۳ و ۱۴

^۳ - سفر پیدایش، ۲۴: ۱۶

^۴ - سفر پیدایش، ۲۹: ۱۶ و ۱۷

۴. پاکی و عفت: عهد عتیق مردان را از انتخاب زنان هرزه به عنوان همسر نهی میکند: «... پسرم چرا باید از زنان هرزه هرجایی صاحب بچه شوی؟... چرا باید به زنان بدکاره دل ببندی و زنی را که به تو تعلق ندارد در آغوش بگیری؟»^۱

۵. ایمان: در آیه‌ای دیگر از عهد عتیق ازدواج با مشرکان بر حذر داشته است و دستور می‌دهد: «با آن‌ها ازدواج نکنید و نگذارید فرزندان با پسران یا دختران آن‌ها ازدواج کنند، چون در نتیجه‌ی ازدواج، فرزندان با بت پرستی کشیده می‌شوند.^۲ پس ایمان از جمله معیارهای انتخاب همسر بین افراد با ایمان می‌باشد.

جمع بندی

کتاب مقدس و قرآن کریم در چهره‌پردازی شخصیت همسرانی که قابلیت و شایستگی را برای زندگی دینی و اجتماعی دارند، یک صدا و متفق‌اند.^۳ این کتب آسمانی در راهنمایی‌هایشان به پیروانشان برای انتخاب شریک زندگی و همسری ایده‌آل و هم-سو و یک جهت حرکت کرده‌اند و برای آن‌ها در این زمینه معیارهایی ترسیم نموده‌اند که با رعایت این معیارها می‌توان از زندگی سالمی برخوردار شد از جمله:

- ۱- مؤمن و موحد
- ۲- دارای سجایای اخلاقی و عقیف و پاکدامن
- ۳- بی توجهی به زیبایی‌های ظاهری زن و توجه به سلامت نفس
- ۴- ازدواج نکردن با زنان هرزه و زناکار

فرجام سخن

خانواده کوچک‌ترین و در عین حال حساس‌ترین عضو جامعه بشمار می‌رود، در زندگی هر انسانی، خانواده بهترین جایگاه برای کسب آرامش و اطمینان و امنیت خاطر می‌باشد و به دنبال آن امنیت، سربلندی و پیشرفت اجتماع محقق خواهد شد. به همین دلیل سازگاری خانواده با معیارهایی که از جانب خداوند متعال بیان شده است،

^۱- امثال سلیمان، ۳۱: ۱۰-۳۱

^۲- تثنیه، ۷: ۳

^۳- مظاهری، ۱۳۹۰: ۲۰۵

اهمیت دو چندی دارد، چرا که آفریننده انسان ها بیش از هر شخص دیگری به زوایای پنهان وجودی او آگاه است. با یک بررسی سطحی در مورد اوضاع اجتماع و شرایط حاکم بر عصر امروز در می‌یابیم که عمده مشکلات جامعه به دلیل ناموفق بودن خانواده‌ها در ایجاد شرایط مطلوب برای اعضای خود و ناکامی در امر تربیت صحیح فرزندان بر طبق آموزه‌های وحیانی و کمرنگ شدن اخلاق می‌باشد در حالی که اخلاق از جمله مقوله‌های مشترک بین ادیان ابراهیمی برای هم‌گرایی اخلاقی و معنوی در جهان است.

با توجه به بررسی‌های انجام شده در پژوهش حاضر می‌توان نتیجه گرفت که امر ازدواج به عنوان یکی از زیر شاخه های مبحث خانواده، مطابق فطرت انسانی بوده و اساسا از همین روست که موجب تاکید سه ادیان اسلام، مسیحیت و یهودیت قرار گرفته است هرچند که در بین این سه ادیان در کیفیت و حدود و شرایط آن اختلافاتی وجود دارد.

ادیان ابراهیمی تشکیل خانواده را تنها در شکل محدود می‌پذیرد، از این رو روابط گسیخته به شدت محکوم می‌کند و برای نهاد خانواده‌شان و جایگاه ویژه قائل شده است. علاوه براین، سه ادیان مذکور در معیارهای انتخاب همسر نیز اتفاق نظر دارند که با توجه به ظرفیت مقاله به این مطالب پرداخته شده است و البته جای پژوهش‌های گسترده‌تر و عمیق‌تر هم‌چنان احساس نیاز است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن منظور، محمد بن مكرم(۱۴۱۴ق)، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت، دارصادر.
۳. آقாதهرانی، مرتضی؛ حیدری کاشانی، محمداقرا(۱۳۹۱)، آینه در آینه، جلال د جمال(کانون طلبعه ظهور)، قم: هدی.
۴. آنترمن، الن(۱۳۸۵)، باورها و آیین های یهودی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان ومذاهب.
۵. بلخی، جلال الدین(۱۳۷۴)، مثنوی معنوی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۶. بهشتی، احمد(۱۳۹۰)، اسلام و تربیت کودکان، تهران: بین الملل.
۷. پاینده، ابوالقاسم(۱۳۷۹)، نهج الفصاحه، تهران: دانش.
۸. جلیلی، محمدرضا(۱۳۸۳)، جایگاه زن در خانواده و اجتماع در اسلام و یهودیت، تهران: داستان.
۹. حلی، حسن بن یوسف(۱۳۳۸)، تذکره الفقهاء، ج ۲، تهران: مکتبه المرتضویه.
۱۰. الخوری، بولس الفغانی، التفسیر التطبیقی للعهد الجدید، مصر: شرکه ماستر میدیا.
۱۱. دلشاد تهرانی، مصطفی(۱۳۸۸)، درسنامه اخلاق خانوادگی، تهران: دریا.
۱۲. دهخدا، علی اکبر(۱۳۷۷ش)، لغت نامه دهخدا، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۳. دورانت، ویل(۱۳۴۳ش)، تاریخ تمدن، ترجمه: ابوالقاسم طاهری، احمد آرام، تهران: اقبال.
۱۴. سالاری فر، محمد رضا(۱۳۸۵ش)، نظام خانواده در اسلام، چاپ اول، قم، نشر هاجر.
۱۵. شعاعی، محمد علی(۱۳۸۴)، مجموعه مقالات(نشست دینی مرکز گفت و گوی ادیان با کلیسای ارتدوکس یونان)، تهران: نشر بین المللی الهدی.
۱۶. طبرسی حسن بن فضل(۱۴۱۲ق)، مکارم الاخلاق، قم، الشریف الرضی.
۱۷. طریحی، فخر الدین(۱۳۷۵ش)، مجمع البحرین، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
۱۸. عبدالکریم العقیلی، فاطمه(۱۳۹۴)، درسنامه مطالعات تطبیقی زن در قرآن و عهدین، قم: مجتمع ناشران.
۱۹. علیجانی، رضا(۱۳۸۹)، زن در آیین مسیحیت، تهران: روشنگران.
۲۰. فیض کاشانی، محسن(۱۴۱۷ق)، محجّه البیضاء، قم: اسلامی.
۲۱. قائمی، علی(۱۳۵۵ش)، تشکیل خانواده در اسلام، قم، دارالتبلیغ اسلامی.
۲۲. کتاب مقدس، ترجمه قدیم(۱۹۹۶)، نشر ایلام.
۲۳. کهن، ابراهام(۱۳۲۸م)، گنجینه ای از تلمود، تهران: اساطیر.
۲۴. مجلسی، محمداقرا(۱۴۰۴ق)، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، چاپ دوم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۲۵. مستر هاکس(۱۳۷۷ش)، قاموس کتاب مقدس، چاپ اول، تهران: اساطیر.

۲۶. مشکینی، علی (۱۳۶۶): «ازدواج در اسلام»، احمد جنتی، قم: الهادی.
۲۷. مصطفوی حسن (۱۳۶۰ش)، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۸. مظاهری، حبیب (۱۳۹۰)، شخصیت زن در قرآن کریم و عهدین، قم: بوستان کتاب.
۲۹. مظاهری، حسین (۱۳۹۱)، اخلاق در خانواده، قم: نشر معارف.
۳۰. مک آفی برون، رابرت (۱۹۲۰م): «روح آیین پروتستان»، فریبرز مجیدی، انتشارات نگاه معاصر.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۲. مکارم، ناصر (۱۳۸۱)، پیام قرآن، چاپ هشتم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۳. منسکی، ورنر؛ پگی، مورگان؛ نسبت، النور؛ لاتون، کلاویو؛ شانون، ترور؛ ابن علی، معشوق (۱۳۷۸)، ترجمه: محمدحسین وقار، تهران: اطلاعات.
۳۴. مهدوی کنی، محمد رضا (۱۳۷۱)، نقطه های آغاز در اخلاق عملی، چاپ اول، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
۳۵. موسوی خمینی، روح الله (۱۴۰۱ق)، تحریر الوسیله، بیروت: دارالتعارف.
۳۶. مولند، اینار (۱۳۸۱): «جهان مسیحیت»، محمد باقر انصاری و مسیح مهاجری، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۳۷. میرزا حسن النوری (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تحقیق موسسه آل البيت، الطبعة الثانية، بیروت: دار احیاء التراث.
۳۸. همدانی، سید محمد حسینی (۱۴۰۴ق)، انوار درخشان، چاپ اول، تهران: کتابفروشی لطفی.
